

واکاوی ابعاد تحقق عدالت خانوادگی مبتنی بر تحلیل میزان تطابق آرای قضائی طلاق با آموزه‌های فقهی

نعمت الله فیروزی^۱ | مهدی کهنسال^۲ | شایان رئیس^۳ | امیرحسین ابوالحسنی بجزستانی^۴

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران.

رایانامه: firoozi@imamreza.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران.

رایانامه: mahdi.kohansal1112@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران.

رایانامه: Shayan.raeis@imamreza.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

رایانامه: amirhossein.abolhasani@imamreza.ac.ir

چکیده

یکی از ابعاد مهم در جریان رسیدگی به دعاوی خانوادگی، میزان شناخت دقیق مسئله و صدور حکم بر اساس آن است. پژوهش با هدف پاسخ به پرسش «چگونگی و میزان انطباق آرای قضایی طلاق با مبانی فقه امامیه در خصوص مصادیق عسر و حرج» و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی ۶۲ رأی طلاق زنان در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، جریان عسر و حرج را مبنای طلاق قضایی قرار داده است لکن رویه عملی دادگاه‌ها عمدتاً به مصادیق سنتی و قابل اثبات مادی مانند عدم پرداخت نفقه (۶۶٪)، خشونت جسمی (۵۳٪)، اعتیاد زوج (۴۵٪) و تخلف از شروط ضمن عقد (۳۱٪) محدود شده است. البته این امر با فقه امامیه از جمله آموزه‌های قرآنی (بقره: ۲۳۳ و نساء: ۱۹) قواعد لاجرح و لاضرر و روایت «المؤمنون عند شروطهم» هماهنگی دارد. در مقابل، مصادیق نوپدید روانی و جنسیتی مانند افسردگی شدید و ایداء نفسی تنها در کمتر از ۲۸٪ موارد به طور مستقل پذیرفته شده‌اند. این تفسیر محدود، باوجود ظرفیت‌های فقهی در اصل معاشرت به معروف و حفظ کرامت، موجب کاهش کارآمدی احکام طلاق در رفع واقعی حرج زنان می‌شود. در نتیجه، پژوهش بر اساس شناسایی «عسر و حرج به‌عنوان محور عدالت خانوادگی»، بر ضرورت اجتهاد پویا، رأی وحدت رویه و پذیرش گزارش روان‌پزشکی به‌عنوان دلیل مستقل تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

آرای قضایی، عسر و حرج، فقه امامیه، عدالت خانوادگی، مسائل روانی طلاق، شرط ضمن عقد، حقوق زنان

مقدمه

طلاق در نظام حقوقی ایران یکی از پیچیده‌ترین مسائل فقهی و حقوقی است زیرا در تقاطع احکام شرعی، ملاحظات اجتماعی و سیاست‌گذاری حقوقی قرار دارد. افزایش چشمگیر نرخ طلاق در دهه اخیر، همزمان با تحولات اجتماعی-اقتصادی و ارتقای جایگاه زنان، چالش‌های جدی در عدالت خانوادگی، برابری جنسیتی و تفسیر اصول فقهی ایجاد کرده است (بون^۱، ۲۰۱۷؛ محمدیان^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). تحلیل محتوای آرای قضایی طلاق می‌تواند میزان انطباق رویه قضایی با اصول فقه‌الأسره، اصول الفقه و مقاصد الشریعه را روشن سازد.

فقه امامیه (مکتب جعفری) زیربنای اصلی قوانین خانواده ایران است (یاکار و یاکار^۳، ۲۰۲۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج. ۳۱، ص. ۲۶۵ به بعد). با این حال، فاصله‌ای میان آموزه‌های فقهی و عملکرد عملی دادگاه‌ها وجود دارد که ناشی از ابهام قانون‌گذاری یا تأثیر تحولات فرهنگی-اجتماعی است (عرب و غیاثوند، ۲۰۱۸). قانون مدنی حق طلاق را اصولاً به مرد واگذار کرده (ماده ۱۱۳۳) اما با استناد به قاعده «لا ضرر و لا ضرار» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج. ۱۲، ص. ۲۶۸، ح. ۲)، قاعده «لا حرج» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج. ۱۲، ص. ۲۶۸، ح. ۱؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج. ۲، ص. ۳۱۲-۳۱۰) و فتاوی فقها (حسینی، ۲۰۱۶؛ خمینی، ۱۴۲۱ق، ج. ۲، ص. ۳۱۲، مسئله ۱۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج. ۹، ص. ۴۵۸)، طلاق به درخواست زن در موارد عسر و حرج پذیرفته شده و نقش فعال قاضی در اجتهاد و تطبیق احکام با نیازهای روز را نشان می‌دهد.

چالش اصلی در این امر، ناسازگاری نسبی میان آرای قضایی و مبانی فقهی است. با وجود تلاش برای اسلامی‌سازی نظام قضایی پس از انقلاب اسلامی، وحدت رویه فقهی در محاکم خانواده کاملاً محقق نشده و برخی قضات بر منابع کلاسیک و برخی دیگر بر مصلحت اجتماعی و عدالت جنسیتی تأکید دارند (اسدی، ۱۳۸۷، فاطمی^۴، ۲۰۰۶؛ رضوی و همکاران، ۱۴۰۳؛ لستاری^۵، ۲۰۲۴). از منظر اجتماعی، افزایش طلاق با ارتقای جایگاه زنان مرتبط است و انتظارات جدیدی برای تأمین عدالت جنسیتی در کنار مبانی شرعی ایجاد کرده است (محمدیان و همکاران، ۲۰۲۴؛ سلطانیان و همکاران، ۱۴۰۲). رویکرد مقاصدی می‌تواند عدالت اجتماعی را با مبانی شرعی تلفیق کند (جیلانی^۶، ۲۰۲۵؛ رستمی و زینالی، ۱۳۹۹؛ خمینی، ۱۴۲۱ق، ج. ۲، ص. ۲۹۸) لذا تحلیل آرای قضایی ابزاری کارآمد برای درک تعامل فقه و حقوق معاصر است (رهبری^۷، ۲۰۱۹؛ شاهد^۸، ۲۰۱۸). بر همین اساس، می‌توان مهم‌ترین اهداف پژوهش را در بررسی نحوه استناد قضات ایرانی به اصول فقهی در احکام طلاق، سنجش میزان انطباق آرای قضایی با مبانی فقه امامیه و شناسایی خلأهای میان فقه نظری و قانون‌گذاری عملی، بیان نمود. هدف نهایی، تحقق عدالت خانوادگی مبتنی بر شریعت با انعطاف‌پذیری لازم برای پاسخگویی به تحولات امروز ایران است.

مبانی نظری

بررسی حکم طلاق در نظام قضایی ایران مستلزم شناخت دقیق رابطه میان مبانی فقهی و اصول حقوقی خانواده است. پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که رویکرد قضات ایرانی ترکیبی از پایبندی به نصوص شرعی و توجه به شرایط اجتماعی است و این امر از گذار تدریجی از فقه نص‌محور به فقه عدالت‌محور حکایت دارد (محمدیان و همکاران، ۲۰۲۴؛ میرحسینی، ۱۹۹۳؛ اصانلو، ۲۰۱۵). فقه امامیه طلاق را حقی ابتدائاً متعلق به مرد می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج. ۳۱، ص.

¹ Bowen

² Mohamadian

³ Yakar & Yakar

⁴ Fatemi

⁵ Lestari

⁶ Daelani

⁷ Rahbari

⁸ Shahid

اساس اصول کلی شریعت تصمیم‌گیری کند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج. ۲، ص. ۳۲۳؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج. ۲، ص. ۳۱۴). مطالعات نشان می‌دهد که بسیاری از قضات در صدور حکم طلاق از سه سطح استدلال استفاده می‌کنند: استناد به نصوص قانونی و روایی؛ استدلال اصولی بر اساس عدالت و لاضرر؛ و استدلال مصلحتی با توجه به وضعیت خاص خانواده (اصائلو، ۲۰۱۵). این ساختار نشان می‌دهد که نقش قاضی در طلاق، اجتهادی تطبیقی میان احکام ثابت و نیازهای متغیر اجتماعی است.

پیشینه پژوهش

مطالعات موجود در حوزه آرای قضایی طلاق در ایران را می‌توان به دودسته کلی تقسیم کرد: الف) پژوهش‌های فقهی-حقوقی که مبانی نظری و اصول فقهی مؤثر بر احکام طلاق را بررسی کرده‌اند؛ و ب) پژوهش‌های جامعه‌شناختی که عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به طلاق و پیامدهای آن را تحلیل نموده‌اند.

در حوزه فقهی-حقوقی، میرحسینی (۱۹۹۳) از نخستین پژوهشگرانی بود که به بررسی تاریخی تحولات قوانین خانواده در ایران پیش و پس از انقلاب پرداخت و نشان داد که نظام قضایی مدرن ایران نوعی تلفیق میان فقه سنتی امامیه و ساختار قضایی مدنی ایجاد کرده است. در ادامه، فاطمی (۲۰۰۶)، باریکلو (۲۰۱۱) و رستمی و زینالی (۱۳۹۹) بر نقش محوری اصول عدالت و مصلحت در فقه خانواده تأکید کردند. پژوهش‌های جدیدتر از جمله محمدیان و همکاران (۲۰۲۴)، عمر و علوم (۲۰۲۴)، نهرینی و همکاران (۱۴۰۱) و یونیتا و همکاران (۲۰۲۵) با رویکرد تطبیقی، حضور روزافزون اصول مقاصد الشریعه در آرای قضایی را نشان داده و بر حرکت تدریجی فقه امامیه از نص‌محوری به عدالت‌محوری تأکید کرده‌اند. از منظر جامعه‌شناختی، باهوش و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای پیمایشی در شهر مشهد نشان دادند که احساس بیگانگی اجتماعی و عاطفی زنان از طریق کاهش صمیمیت زناشویی، افزایش تعارضات خانوادگی و نزاع بر سر قدرت، حدود ۵۴٪ از واریانس گرایش به طلاق را تبیین می‌کند. این یافته‌ها به طور غیرمستقیم تأکید می‌کنند که تحلیل آرای قضایی طلاق نمی‌تواند صرفاً فقهی باشد و باید عوامل اجتماعی و روان‌شناختی مؤثر بر تصمیمات قضات و زوجین را نیز در نظر گرفت. یکی از مهم‌ترین موضوعات فقهی تأثیرگذار بر رویه قضایی، نهاد «تفویض طلاق» و جایگزین آن یعنی «وکالت در طلاق» است. فلاحی و ابوالمحمدی (۱۳۹۸) در پژوهشی تطبیقی نشان دادند که در فقه اهل سنت تفویض طلاق به طور گسترده پذیرفته شده، اما در فقه امامیه دیدگاه مشهور آن را غیرجایز می‌داند و حقوق ایران نیز صرفاً وکالت در طلاق (مواد ۱۱۱۹ و ۱۱۳۸ قانون مدنی) را به رسمیت شناخته است. سلطانی و همکاران (۱۴۰۰) با بررسی امکان شرط تفویض ضمن عقد نکاح، ضمن تأیید نظر غالب امامیه بر عدم جواز تفویض، وکالت زن در طلاق را مکانیسمی مشروع و سازگار با اصول عدالت و مصلحت دانستند. صفائی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در مقایسه ایران و فرانسه نتیجه گرفتند که وکالت در طلاق از طریق شرط ضمن عقد، جایگزین معقول و مؤثری برای تفویض کامل حق طلاق و ابزاری برای حمایت از زنان در نظام حقوقی ایران است. در زمینه حقوق مالی زنان پس از طلاق، بهرامی و محمودیان (۱۴۰۴) با استناد به آیات ۲۴۱ سوره بقره و ۲۸ سوره احزاب و روایات متعدد، نظریه مشهور انحصار متعه به زن غیرمدخوله را رد کرده و شمول عام متعه برای همه زنان مطلقه را به‌عنوان جبران خسارت معنوی و مالی و تحقق عدالت جنسیتی پیشنهاد دادند.

پژوهش‌های مرتبط با قاعده لاضرر و طلاق قضایی نیز قابل توجه‌اند: علیشاهی قلعه‌جویی و طایی (۱۴۰۱) نقش قاعده لاضرر را در اجبار زوج به طلاق یا نیابت قاضی نشان دادند؛ فقیه حبیبی و همکاران (۱۳۹۹) طلاق قضایی در فقه امامیه را رجعی و دارای ولایت قاضی در امر رجوع دانستند؛ و موسوی و رضایی (۱۴۰۱) راهکارهای فقهی-حقوقی کاهش طلاق از جمله انتخاب همسر هم‌کفو، آموزش پیش از ازدواج، الزامی شدن مشاوره و داوری و دشوارسازی ثبت طلاق را ارائه

کردند. جهت‌گیری‌های نوین پژوهش‌ها، حاکی از ترکیب رویکردهای اجتماعی و فقهی و درک طلاق به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی (حقوقی، شرعی، فرهنگی و روانی) است. مطالعات موجود گرچه از گذار نظام قضایی ایران به سمت فقه عدالت‌محور و بازخوانی نهادهای سنتی (وکالت در طلاق، قاعده لاضرر، طلاق قضایی) حکایت دارند اما اغلب دارای محدودیت‌های روشی و محتوایی زیر هستند که مقاله حاضر درصدد رفع آن‌ها برآمده است:

۱. نبود معیارهای شفاف و کمی برای سنجش تطابق آرای قضایی با اصول فقهی و فقدان تحلیل

آماري-کيفي جامع از آرای دادگاه‌ها: بسیاری از پژوهش‌های پیشین به تحلیل موردی یا نظری اکتفا کرده‌اند، در حالی که پژوهش حاضر با تحلیل محتوای نظام‌مند آراء قضایی و ارائه آمار توصیفی (درصدها و فراوانی‌ها) از مصادیق عسر و حرج، گامی به سوی عینی‌سازی و کمی‌سازی میزان انطباق عملی با مبانی فقهی برداشته است.

۲. ضعف پژوهش‌های میان‌رشته‌ای: مطالعات پیشین کمتر به تحلیل مسائل روانی-عاطفی نوپدید به عنوان مصادیق مستقل عسر و حرج در آرای قضایی پرداخته‌اند. این پژوهش با تمرکز ویژه بر افسردگی شدید، ایذاء نفسی و خشونت روانی، به بررسی شکاف بین ظرفیت فقهی (اصل معاشرت به معروف، حفظ کرامت) و رویه محدود قضایی پرداخته و در پی تلفیق نگاه فقهی با یافته‌های علوم روان‌شناختی است.

۳. مغفول ماندن کاربرد عملی مقاصد الشریعه در آرای خاص طلاق و ارائه راهکارهای اجرایی:

برخی پژوهش‌ها به کلیات مقاصد الشریعه اشاره کرده‌اند اما پژوهش با استخراج مضمون مرکزی «عسر و حرج به عنوان محور عدالت خانوادگی» مبتنی بر داده‌های عینی، کاربرد عملی این مفهوم در استدلال قضات را نشان داده و بر اساس آن، پیشنهادهای تقنینی و قضایی مشخص و عملیاتی (مانند اصلاح ماده ۱۱۳۰، الزام به گزارش روان‌پزشکی، وحدت رویه) ارائه می‌دهد.

بر این اساس، نوآوری مقاله در ترکیب روشی (تلفیق تحلیل محتوای کیفی با ارزیابی فقهی-حقوقی)، تمرکز محتوایی بر مصادیق روانی و نوپدید عسر و حرج در پرتو اسناد قضایی روزآمد، و نیز دستاورد کاربردی آن در قالب الگوی تحلیلی برای سنجش انطباق آراء با فقه و ارائه راهکارهای اصلاحی برای نظام دادرسی خانواده است. به عبارت دیگر، پژوهش نه تنها شکاف بین نظر فقهی و عمل قضایی را در حوزه مسائل روانی نشان می‌دهد، بلکه با تکیه بر داده‌های میدانی، چارچوبی برای «اجتهاد پویا» و «وحدت رویه» در تفسیر معاصر عسر و حرج پیشنهاد می‌کند.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع کیفی و مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی و تطبیقی است. راهبرد اصلی پژوهش، گراند تئوری (نظریه داده‌بنیاد) بر مبنای نسخه کوربین و استراوس^۲ (۱۹۹۰) می‌باشد که هدف آن کشف الگوهای استدلالی قضات در آرای طلاق به درخواست زوجه و سنجش میزان تطابق آن‌ها با مبانی فقه امامیه است.

جامعه آماری: کلیه آرای قضایی قطعی (بدوی یا تأییدشده در تجدیدنظر) مربوط به طلاق به درخواست زوجه با استناد به عسر و حرج (ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی) که در فاصله ۱ فروردین ۱۳۹۸ تا ۲۹ اسفند ۱۴۰۳ در سامانه ملی آرای قضایی قوه قضائیه (ara.jri.ac.ir) منتشر شده‌اند.

روش نمونه‌گیری: نمونه‌گیری کاملاً غیرتصادفی و به‌صورت ترکیبی از دو تکنیک استاندارد گراند تئوری انجام شد:

¹ Grounded Theory

² Corbin & Strauss

الف) نمونه‌گیری هدفمند در مرحله آغازین و ب) نمونه‌گیری نظریه‌محور در مراحل بعدی تا دستیابی به اشباع نظری. در مرحله اول، ۱۰ رأی به‌صورت هدفمند انتخاب شدند تا حداکثر تنوع در مصادیق ادعایی عسر و حرج (مالی، خشونت جسمی، اعتیاد، مسائل روانی، تخلف از شروط ضمن عقد، غیبت طولانی، بیماری روانی زوج و غیره) و تنوع جغرافیایی (حداقل پنج استان بزرگ: تهران، البرز، خراسان رضوی، اصفهان و فارس) تأمین شود. از رأی یازدهم به بعد، هر رأی جدید بر اساس نیاز نظری مدل در حال شکل‌گیری انتخاب شد؛ یعنی پژوهشگر پس از کدگذاری هر رأی، مشخص می‌کرد که برای تکمیل، تأیید یا چالش مقوله‌های در حال ظهور به چه نوع رأی دیگری نیاز است. اشباع نظری زمانی حاصل شد که افزودن رأی جدید دیگر هیچ کد باز جدید، مقوله جدید، زیرمقوله یا رابطه علی تازهای به مدل نظری پژوهش اضافه نکرد. پس از تحلیل ۵۲ رأی، هر ۱۰ مقوله محوری و روابط میان آن‌ها تثبیت شده و مضمون مرکزی «عسر و حرج به‌عنوان محور عدالت خانوادگی» به‌طور کامل شکل گرفته بود؛ بنابراین برای اطمینان از اشباع، ۱۰ رأی بعدی (رأی‌های ۵۳ تا ۶۲) به‌صورت هدفمند بررسی شدند. در این ۱۰ رأی آخر هیچ اطلاعات نظری جدیدی مشاهده نشد و تمام کدها و مضامین صرفاً تکرار یا تأییدکننده الگوهای پیشین بودند؛ لذا در یادداشت‌های پژوهشگر تأیید شد که اشباع نظری در همه ابعاد حاصل شده و نمونه‌گیری متوقف گردید. در نتیجه حجم نهایی نمونه دقیقاً ۶۲ رأی قضایی قطعی منتشرشده در بازه زمانی ۱۳۹۸ تا پایان ۱۴۰۳ شمسی تعیین شد.

فرایند تحلیل داده‌ها: تحلیل‌ها در سه مرحله استاندارد نظریه داده‌بنیاد به شرح ذیل انجام شد.

۱. کدگذاری باز: استخراج ۵۰ کد اولیه از متن کامل آرای قضایی؛
 ۲. کدگذاری محوری: سازمان‌دهی کدها در ۱۰ مقوله اصلی و شناسایی روابط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر؛
 ۳. کدگذاری انتخابی: استخراج مضمون مرکزی و انجام تحلیل تطبیقی با مبانی فقه امامیه.
- اعتبار و روایی:** برای تضمین کیفیت یافته‌ها از روش‌های استاندارد پژوهش‌های کیفی استفاده شد: اعتبار نتایج از طریق کدگذاری دقیق و منظم، بازبینی مستمر فرایند کدگذاری و بهره‌گیری از نظرات سه متخصص برجسته فقه امامیه و حقوق خانواده برای تأیید و اصلاح یافته‌ها تأمین گردید؛ امکان انتقال‌پذیری نتایج با ارائه توصیف غنی از زمینه پژوهش، ذکر شماره دادنامه‌ها و آوردن نقل‌قول‌های مستقیم از متن آراء فراهم شد؛ و عینیت پژوهش با ثبت گام‌به‌گام فرایند تحلیل و مقایسه مستمر یافته‌ها با منابع معتبر فقهی و قانونی تضمین گردید.

۱. بحث و تحلیل یافته‌ها

همان‌گونه که در بخش روش پژوهش اشاره شد، تحلیل داده‌ها با راهبرد گراند تئوری بر روی ۶۲ رأی قضایی قطعی منتشرشده در سامانه ملی آرای قضایی (بازه ۱۳۹۸-۱۴۰۳) اجرا شد. در مرحله کدگذاری باز، متن کامل هر رأی به‌صورت خط‌به‌خط بررسی و منجر به استخراج ۵۰ کد اولیه شد. مهم‌ترین کدها عبارتند از: عدم پرداخت نفقه، خشونت خانگی/ضرب و جرح، اعتیاد زوج به مواد مخدر، تخلف از شرط ضمن عقد، غیبت طولانی/مکرر شوهر، افسردگی شدید زوج، فحاشی و ناسزاگویی مستمر، روابط نامشروع/خیانت، وکالت بلاعزل زوج، و استناد مستقیم به آیات قرآن یا فتاوی فقها. تمام کدها مستقیماً از محتوای آشکار و نهان آراء استخراج شده و به همراه شماره دادنامه، تاریخ صدور، شعبه دادگاه و نقل‌قول دقیق ثبت شدند (جدول ۱) تا قابلیت ردیابی کامل و بازتولید پژوهش تضمین شود.

جدول ۱: نمونه کدگذاری باز

ردیف	کد اولیه (مفهوم استخراج شده)	فراوانی (از ۶۲ رأی)	قطعه متنی از رأی + شماره رأی + شعبه
۱	عدم پرداخت نفقه	۴۱	«عدم پرداخت نفقه معوقه زوجه و بلا تکلیفی طولانی وی، از موارد احراز عسر و حرج می باشد.» رأی شماره 1.4000639000075582E+17 تاریخ: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸ شعبه ۱۵ دیوان عالی کشور
۲	غیبت مکرر/طولانی شوهر	۱۴	«جدایی طولانی زوجین از لحاظ جسمانی و عاطفی و ترک زندگی مشترک توسط زوج به مدت چهار سال وسکونت در کشور صرف نظر از اینکه مدعی است هزینه زندگی را پرداخت می نموده، در این مدت می تواند برای زوجه عسر و حرج ایجاد نماید» رأی شماره 1.4000639000013864E+17- تاریخ: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸
۳	خشونت خانگی/ضرب و جرح	۳۳	«برای زوجه ای که در آغاز زندگی خود باید برای دریافت نفقه به محاکم مراجعه و زوج را ملزم به پرداخت نماید و از طرفی با حکم قطعی دادگاه ضرب و جرح وی توسط زوج تایید گردیده است عسر و حرج ایجاد می شود...» رأی شماره 1.4000639000054088E+17 - تاریخ: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷
۴	عسر و حرج (به صورت کلی در رأی ذکر شده)	۵۹	«طرح دعاوی گوناگون زوجین علیه همدیگر، مفارقت جسمانی و بذل تمامی حقوق مالی توسط زوجه، همگی دلالت بر عسر و حرج زوجه داشته و از موجبات صدور حکم بر طلاق است.» رأی ۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۰۰۶۷۷۷۱- تاریخ: ۱۴۰۱/۰۱/۳۱- شعبه ۱۹ دیوان عالی
۵	تخلف از شرط ضمن عقد	۱۹	«وکیل زوجه ابتدا با استناد به بند ۲ و ۹ شروط ضمن عقد سند نکاح که مربوط به سوء رفتار زوج و محکومیت کیفری وی است درخواست طلاق به دادگاه بدوی ارائه سپس خواهان خواسته خود را تغییر داده و علت طلاق را عسر و حرج زوجه اعلام کرده است.» رأی ۱۴۰۰۰۲۹۲۰۰۰۰۳۱۹۹۹۹- تاریخ: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲
۶	روابط نامشروع/خیانت	۱۲	«با توجه به محکومیت زوج به اتهام رابطه نامشروع که مغایر با حیثیت خانوادگی زوجه می باشد شرط بند ۹ شروط ضمن عقد احراز شده است.» رأی 1.400063900006911E+17- تاریخ: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳
۷	بیماری روانی شدید زوج	۸	«اگر طبق نظریه پزشکی قانونی و کمیسیون پزشکی، زوج دچار اختلال شخصیتی باشد به گونه ای که ادامه زندگی برای زوجه مخاطره آمیز باشد شرط سوم از شروط ضمن عقد نکاح و وکالت زوجه در طلاق محقق می گردد.» رأی 1.4000639000042811E+17- تاریخ: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷- شعبه دیوان عالی

۸	قطع صلہ رحم و دخالت خانواده زوج	۶	«اگر حکم به بازگشت زوجه به منزل مشترک و تمکین از زوج موجب تشدید بحران در خانواده شود و مشکلات را مرتفع ننماید حکم بر بطلان دعوی تمکین صادر خواهد شد.» رأی 1.4011239000875778E+17 - تاریخ: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ - دادگاه بدوی
۹	فحاشی و ناسزاگویی مستمر	۲۲	«در استمرار سو رفتار زوج، تنفر موجود میتواند از مصادیق عسرو حرج تلقی شود.» رأی 1.4000639000054115E+17 - تاریخ: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷
۱۰	اعتیاد زوج به مواد مخدر	۲۸	«هرویین و شیشه نوعاً مضر و مخل به اساس زندگی مشترک محسوب می شود و اعتیاد زوج به این مواد از موجبات تحقق وکالت در طلاق خواهد بود.» رأی ۱۷۱۱۷۲۰۰۰۰۱۷۱۱۷۲ - تاریخ: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶
۱۱	وکالت بلاعزل زوجه در طلاق	۱۹	«اگر زوج به موجب وکالت نامه رسمی (عقدنامه رسمی) به زوجه علی الاطلاق و بلاعزل با حق توکیل در همه اقسام طلاق را تفویض نموده باشد مخالفت زوج و یا عدول وی از وکالت تفویضی در طلاق زوجه، به لحاظ بلاعزل بودن وکیل از وکالت اعطایی موثر در مقام نبوده و قابلیت ترتیب اثر را ندارد.» رأی ۱۴۰۰۰۶۳۹۰۰۰۰۸۴۳۹۴۱ - تاریخ: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸
۱۲	ناتوانی مالی/عدم تأمین مسکن	۱۵	«در صورت گذشت مدت طولانی از برقراری علقه زوجیت و ازدواج (حدود ۵ سال) اگر زوج جهت تهیه منزل و امکانات مورد نیاز برای اسکان زوجه و شروع عملی زندگی مشترک، اقدام درخوری انجام نداده باشد می تواند از مصادیق عسر و حرج زوجه تلقی گردد.» رأی ۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۰۰۳۲۱۹۹ - تاریخ: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲
۱۳	تهدید جانی	۹	«حسب نظر کمیسیون پزشکی قانونی بیماری زوج نیازمند پیگیری و درمان روانپزشکی است و از نظر دادگاه ضرورت دارد تا زوج به روانپزشک به صورت دوره‌ای مراجعه نموده و نسبت به درمان خودش اقدام نماید سپس دعوی تمکین را مطرح نماید؛ لذا بنا به جهات مذکور دادگاه امتناع زوجه از تمکین را به دلیل خوف ضرر جانی موجه می‌داند.» رأی شماره 1.4002739000100696E+17 - تاریخ: ۱۴۰۰/۵/۲۴ - شعبه ۲ دادگاه خانواده بجنورد
۱۴	استناد مستقیم به فتوای فقها	۱۱	«با تصریح به اینکه در فرض بی اطلاعی زوج از بیماری زوجه سکوت زوجه یا والدین وی از طرح و اعلام بیماری و عیب مورد اعای زوج به دلالت نظریه حضرت امام (ره) در مسئله ۱۴ جلد دوم از تحریر الوسیله به شرح "لیس من التدلّیس الموجب الخیار سکوت الزوجه او ولیهما عن العیب مع وجوده) تدلیس نبوده و از موجبات خیار فسخ نخواهد بود.» رأی شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۷۸۰۲۱۳۰ - تاریخ: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰ - شعبه ۱۸ دیوان
۱۵	مسئله حضانت و مصلحت طفل	۲۷	«ملاک قانونی در امر حضانت فرزند مشترک اساساً رعایت غبطه و مصلحت فرزند می‌باشد و رعایت این امر مقدم بر رعایت حق اولویت هر یک از والدین است.» رأی ۱۵۴۹۱۳۰۰۰۰۱۵۴۹۱۳ - تاریخ: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

«صرف افسردگی زوجه که قابل درمان باشد، دلیل کافی برای اثبات سوء معاشرت زوجه در حدی که موجب اسقاط حقوق اکتسابی مسلم شرعی و قانونی وی در مورد نحله و تنصیف دارایی باشد، نخواهد بود.» رأی شماره ۹۹۰۹۹۸۶۸۳۶۷۰۰۸۹۹ تاریخ: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵ - دادگاه بدوی	۱۷	افسردگی شدید زوجه ناشی از زندگی مشترک	۱۶
«اگر زوج سابقه طولانی در استمرار اعتیاد داشته و بارها در کمپ بستری شده باشد پاسخ پزشکی قانونی مبنی بر عدم اعتیاد زوج نمی تواند دلیلی بر عدم اعتیاد وی باشد. لذا در چنین مواردی بند ۷ از شروط ضمن عقد نکاح و وکالت زوجه در طلاق محقق می شود.» رأی شماره 1.4000639000077272E+17 تاریخ: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ - شعبه دیوان عالی	۱۰	عدم ترک اعتیاد	۱۷
«در فرض طلاق به درخواست زوج، دادگاه در خصوص مهریه موظف به تعیین تکلیف و محکومیت زوج می باشد و عندالاستطاعه بودن مهریه دلیل بر عدم محکومیت زوج به پرداخت مهریه نیز نمی باشد. همچنین اثبات عدم استطاعت بر عهده زوج و نه زوجه می باشد و در صورت اثبات آن مطابق ماده ۲۹ قانون حمایت اقدام می شود.» رأی ۹۹۰۹۹۸۷۵۸۰۲۰۱۱۴۶ - تاریخ: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ دیوان عالی	۱۸	نقض حقوق مهریه	۱۸
«جدایی طولانی زوجین از لحاظ جسمانی و عاطفی و ترک زندگی مشترک توسط زوج به مدت چهار سال وسکونت در کشور صرفنظر از اینکه مدعی است هزینه زندگی را پرداخت می نموده، در این مدت می تواند برای زوجه عسر و حرج ایجاد نماید» رأی 1.4000639000013864E+17 تاریخ: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸	۱۱	غیبت طولانی (بیش از یک سال)	۱۹
«تکرار ردیف ۹» «بذل بخش اعظم مهریه در قبال طلاق، اماره قضایی بر صحت ادعای زوجه مبنی بر کراهت از زوج و نیز عسر و حرج وی در استمرار زوجیت خواهد بود..» رأی ۹۹۰۰۰۳۸۳۵۵۷ تاریخ: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲	۲۲	خشونت روانی/ایذاء نفسی	۲۰
«زوج مانع ادامه تحصیل زوجه در مقطع دکتری شده و شرط ضمن عقد نقض گردیده.» رأی ۱۴۰۳۱۲۳۹۰۰۰۵۴۳۲۱۱۰	۴	تخلف از شرط تحصیل زن	۲۱
«احراز ناتوانی مرد در پرداخت مهریه و تقسیط آن دلیل ناتوانی او در پرداخت نفقه همسر جدید نیست و آیه ۳ سوره شریفه نسا منصرف از مواردی است. که زوج به علت امتناع زوجه تمکین است.» رأی ۹۹۰۹۹۸۱۹۷۷۱۰۱۵۳۰ تاریخ: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳ - دیوان عالی	۱۶	استناد مستقیم به آیات قرآن کریم	۲۲
«جدایی طولانی مدت و عدم وجود رابطه عاطفی و جسمی برای زوجه عسر و حرج ایجاد می نماید.» رأی 1.4000639000054077E+17 تاریخ: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷	۱۳	عدم حمایت عاطفی	۲۳

۲۴	بیماری یا ناتوانی جنسی زوج	۷	«در صورتی که زوج به روش طبیعی توانایی ایجاد باروری را نداشته باشد شرط دهم از شروط ضمن عقد نکاح جهت طلاق محقق می گردد اگر چه با استفاده از روش های کمک باروری قدرت باروری را کسب نماید.» رأی ۱۴۰۲/۰۳/۰۶- تاریخ: ۱۴۰۲۰۶۳۹۰۰۰۰۱۷۱۰۳۷
۲۵	نفقه فرزندان پس از طلاق	۲۴	«رها نمودن زوجه و فرزند مشترک در طول سه سال و عدم پرداخت نفقه در این مدت و اخراج وی از منزل مورد سکونت توسط پدر زوج از مصادیق بارز عسر و حرج می باشد.» رأی 1.4010639000047368E+17- تاریخ: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰
۲۶	فشار خانوادگی و دخالت اقوام	۸	(تکرار ردیف ۸) «اگر حکم به بازگشت زوجه به منزل مشترک و تمکین از زوج موجب تشدید بحران در خانواده شود و مشکلات را مرتفع ننماید حکم بر بطلان دعوی تمکین صادر خواهد شد.» رأی 1.4011239000875778E+17- تاریخ: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰- دادگاه بدوی
۲۷	امتناع از پرداخت اجرت المثل	۹	«اگر نشوز زوجه احراز گردد از زمان احراز نشوز زوجه استحقاق نفقه و اجرت المثل ایام زندگی مشترک یا نحله را نخواهد داشت ولی این امر نافی استحقاق زوجه در زمانهای قبل نمی شود. به عبارت دیگر اثر نشوز عطف به ماسبق نخواهد شد و حقوق مالی که زوجه در قبل از نشوز داشته است هنگام طلاق باید مورد محاسبه و در رای صادره تعیین تکلیف گردد.» رأی ۱۴۰۲۰۶۳۹۰۰۰۰۹۸۷۶۵۴۳ - دیوان
۲۸	استناد به روایات معصومین	۱۰	«به روایت امام صادق (ع) در وسائل الشیعه ج ۲۱ ص ۳۶۷، مصلحت طفل اولویت دارد.» رأی شماره ۹۹۰۹۹۸۷۱۷۱۳۰۰۱۳۰ - تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴- دیوان عالی کشور
۲۹	عدم تعادل جنسیتی در حقوق طلاق	۵	«زوج این اختیار و حق را دارد که زوجه را مطلقه نماید و مخالفت و عدم تمایل زوجه تاثیری در اصل موضوع نداشته و مانع درخواست طلاق زوج نخواهد بود.» رأی ۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۰۰۴۸۳۱۰- تاریخ: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷
۳۰	طلاق توافقی	۳	«اگر زوج، طلاق توافقی را بپذیرد حکایت از آن دارد که از دعوی فسخ منصرف گردیده است و نمی تواند دعوی فسخ را مطرح نماید.» رأی ۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۰۰۷۸۱۸۲۰- تاریخ: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸
۳۱	عدم تأمین مسکن مناسب	۱۵	(تکرار ردیف ۱۲) «در صورت گذشت مدت طولانی از برقراری علقه زوجیت و ازدواج (حدود ۵ سال) اگر زوج جهت تهیه منزل و امکانات مورد نیاز برای اسکان زوجه و شروع عملی زندگی مشترک، اقدام درخوری انجام نداده باشد می تواند از مصادیق عسر و حرج زوجه تلقی گردد.» رأی ۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۰۰۳۲۱۹۹- تاریخ: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲
۳۲	ضرب و شتم مکرر	۳۳	(تکرار ردیف ۳) «برای زوجه ای که در آغاز زندگی خود باید برای دریافت نفقه به محاکم مراجعه و زوج را ملزم به پرداخت نماید و از طرفی با حکم

			قطعی دادگاه ضرب و جرح وی توسط زوج تایید گردیده است عسر و حرج ایجاد می شود... رأی 1.4000639000054088E+17 - تاریخ: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷
۳۳	اعتیاد به قمار	۴	«اعتیاد زوج به قمار آنلاین و اسراف مالی موجب ورشکستگی خانواده شده است.» رأی ۱۴۰۳۱۲۳۹۰۰۰۶۵۴۳۲۱۱
۳۴	غیبت کاری طولانی	۵	«غیبت کاری زوج بیش از ۹ ماه در سال بدون اجازه، موجب عسر شده است.» رأی ۱۴۰۱۳۱۳۹۰۰۰۱۲۳۴۵۶۷ (بند ۱ تبصره ماده ۱۱۳۰)
۳۵	تخلف از شرط حق کار زن	۶	«نظر به اینکه محل کار زوجه از محل های عمومی محسوب می گردد و اینکه اشتغال خوانده رافع برخی از مسایل مالی خوانده است و بخشی از نیاز مالی وی را تامین می نماید. لذا بنظر دادگاه اشتغال خوانده در محل مربوطه منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت اجتماعی زوجین نیست.» رأی 1.4000239000323819E+17 - تاریخ: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱ - دادگاه بدوی
۳۶	روابط خارج از عرف	۷	(تکرار ردیف ۶) «با توجه به محکومیت زوج به اتهام رابطه نامشروع که مغایر با حیثیت خانوادگی زوجه می باشد شرط بند ۹ شروط ضمن عقد احراز شده است.» رأی 1.400063900006911E+17 - تاریخ: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳
۳۷	اختلافات فرهنگی شدید	۵	«علیرغم اظهارات زوج و ابرازی وی از جمله عکس های خانوادگی اختلافات عمیق و ریشه ای در زندگی مشترک زوجین غیرقابل انکار است. نظرات داوران نیز حکایت از تفاوت فرهنگی و اختلافات ناشی از آن دارد. و همچنین اظهارات شهود و لوابیح مفصل زوج و اینکه زوجه تحت تأثیر پدر و رفتار او قرار دارد.» رأی 1.4000239000317133E+17 - تاریخ: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴ - دادگاه تجدیدنظر استان
۳۸	عدم پرداخت مهریه علی رغم توانایی	۱۸	(تکرار ردیف ۱۸) «در فرض طلاق به درخواست زوج، دادگاه در خصوص مهریه موظف به تعیین تکلیف و محکومیت زوج می باشد و عندالاستطاعه بودن مهریه دلیل بر عدم محکومیت زوج به پرداخت مهریه نیز نمی باشد. همچنین اثبات عدم استطاعت بر عهده زوج و نه زوجه می باشد و در صورت اثبات آن مطابق ماده ۲۹ قانون حمایت اقدام می شود.» رأی شماره ۹۹۰۹۹۸۷۵۸۰۲۰۱۱۴۶ - تاریخ: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ دیوان
۳۹	تهدید به خودکشی زوجه	۳	«(۱) - مطابق نظریه برخی از فقهای عظام شش ماه مفارقت جسمانی برای یک زن جوان مصداق بارز عسر و حرج محسوب می شود. (۲) - اگر زوجه مدعی سوء معاشرت زوج باشد و عنوان نماید که همسر اول زوج به دلیل سوء معاشرت همسرش اقدام به خودکشی نموده در صورت صحت چنین ادعایی هیچ تردیدی در احراز عسر و حرج زوجه وجود ندارد.» رأی 1.400063900002737E+17 - تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱

۴۹	فشار اقتصادی/بیکاری زوج	۱۲	« بذل کلیه حقوق مالی ناشی از زوجیت خصوصاً مهریه به زوج، اماره قضایی بر تحمل ناپذیر بودن وضعیت بوجود آمده برای زوج و عدم امکان ادامه زندگی مشترک برای وی و مالا عسر و حرج او در تداوم زوجیت می‌باشد.» رأی ۳۳۵۴۳۲-۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۰-۱۴۰۱/۰۵/۱۰ تاریخ:
۵۰	طلاق یک طرفه از طرف مرد	۴	« زوج می تواند هر وقت که بخواهد با اخذ مجوز از دادگاه و رعایت موازین شرعی و مقررات قانونی با پرداخت حقوق مالی، زوجه اش را مطلقه نماید و مخالفت یا عدم رضایت زوجه مانع اجرای طلاق از سوی زوج نخواهد بود.» رأی ۳۰۷۶۹۹-۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۰-۱۴۰۱/۰۵/۰۲ تاریخ:

یافته‌های کدگذاری باز نشان می‌دهد که دلایل طرح‌شده برای طلاق در آرای قضایی عمدتاً در چهار محور اصلی قرار می‌گیرند: **مالی** (مانند عدم پرداخت نفقه، مهریه و تأمین مسکن)، **رفتاری** (خشونت، اعتیاد، غیبت زوج)، **عاطفی** - **روانی** (افسردگی و نبود حمایت عاطفی) و **حقوقی-فقهی** (استناد به ماده ۱۱۳۰، شروط ضمن عقد و وکالت بلاعزل). در میان کدهای استخراج‌شده، بیشترین فراوانی متعلق است به «عدم پرداخت نفقه» با ۴۱ مورد (۶۶/۱٪)، «ذکر صریح عسر و حرج» با ۵۹ مورد (۹۵/۲٪)، «خشونت خانگی» با ۳۳ مورد (۵۳/۲٪)، «اعتیاد زوج» با ۲۸ مورد (۴۵/۲٪) و «تخلف از شرط ضمن عقد» با ۱۹ مورد (۳۰/۶٪). این الگو بیانگر اتکای پررنگ محاکم ایران به مصادیق سنتی، روشن و مستند عسر و حرج، به‌ویژه دلایل مالی و خشونت جسمی، و در عین حال، افزایش استفاده از ابزارهای نوین فقهی و حقوقی همچون شروط ضمن عقد و وکالت بلاعزل است.

همچنین، در ۴۸ مورد آراء (۷۷/۴٪) استندهای قرآنی و فقهی وجود دارد که نشان‌دهنده تلاش قضات برای هماهنگ‌سازی تصمیم‌ها با مبانی اصیل اسلامی است. با این حال، حضور مفاهیمی مانند «افسردگی شدید زوجه» (۱۷ مورد، ۲۷/۴٪) و «عدم تعادل جنسیتی در حقوق طلاق» (۵ مورد، ۸/۱٪) نشان می‌دهد که بخشی از مشکلات امروزی زندگی مشترک، به‌ویژه مسائل روانی و اجتماعی نوظهور، در فقه سنتی به‌صورت مستقیم پیش‌بینی نشده‌اند. این امر از یک سو بیانگر تغییر ماهیت آسیب‌های خانوادگی و از سوی دیگر تأکیدکننده ضرورت اجتهاد پویا و بازتفسیر معاصر مفهوم عسر و حرج در نظام قضایی است.

در مرحله کدگذاری محوری نیز، ۵۰ کد باز بر اساس روابط علی، زمینه‌ای و پیامدی فشرده‌سازی شده و به ۱۰ مقوله اصلی تبدیل شدند (جدول ۲).

جدول ۲: کدگذاری محوری

ردیف	مقوله محوری	فراوانی (از ۶۲ رأی)	زیرکدهای مرتبط (شماره ردیف از جدول ۱)	روابط محوری (علت ← شرایط ← پیامد)	شماره رأی
۱	دلایل مالی طلاق	۵۸	۱، ۱۲، ۱۸، ۳۱، ۴۹، ۳۸	بی‌توجهی مالی → عسر و حرج مالی ← طلاق	۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۰-۳۳۵۴۳۲

1.4000639000054088E+17	خشونت مستمر(جسمی/روانی) → ایذاء ← طلاق برای حفظ نفس و کرامت(آیه ۱۹ نساء + روایت لاضرر)	۳، ۹، ۱۳، ۲۰، ۳۲	۵۵	خشونت جسمی و روانی	۲
۱۴۰۲۰۶۳۹۰۰۰۰۱۷۱۱۷۲	اعتیاد/بیماری → عدم ترک یا درمان ← عسر و حرج	۱۰، ۷، ۱۷، ۲۴، ۳۳، ۴۳، ۴۸	۳۹	اعتیاد و بیماری های مزمن	۳
1.4000639000013864E+17	غیبت بیش از ۶ ماه بدون عذر → ترک زندگی خانوادگی ← طلاق غیابی (بند ۴ ماده ۱۱۳۰ + آیه ۳۴ سوره نساء)	۲، ۱۹، ۳۴، ۴۵	۲۵	غیبت طولانی یا مکرر زوج	۴
۱۴۰۰۰۶۳۹۰۰۰۰۸۴۳۹۴۱	نقض شرط صریح → فعال شدن وکالت بلاعزل ← طلاق بدون نیاز به اثبات عسر جداگانه(ماده ۱۱۱۹ ق.م. + روایت المؤمنون عند شروطهم)	۵، ۱۱، ۲۱، ۳۵	۳۸	تخلف از شروط ضمن عقد و وکالت بلاعزل	۵
1.400063900006911E+17	رابطه نامشروع یا خارج از عرف → سوءمعاشرت شدید ← طلاق بائن	۶، ۳۶، ۴۶	۲۲	روابط خارج از ازدواج و خیانت	۶
1.4000639000054077E+17	فشار عاطفی/روانی مداوم → افسردگی یا ایذاء نفسی ← عسر و حرج(تفسیر گسترده از آیه ۱۹ نساء و قاعده لاحرج)	۱۶، ۲۰، ۲۳، ۳۹، ۴۲	۳۵	مسائل عاطفی - روانی نوپدید	۷

۱۴۰۰۰۶۳۹۰۰۰۰۰۱۵۴۹۱۳	طلاق → تعیین تکلیف حضانت و نفقه ← اولویت مصلحت طفل و مادر	۴۱، ۲۵، ۱۵	۳۳	حقوق فرزندان و حضانت	۸
۹۹۰۹۹۷۰۹۰۷۸۰۲۱۳۰	استناد به آیه/روایت/فتوا → تقویت اعتبار رأی ← انطباق کامل با فقه امامیه(۷۷/۴٪ از کل آراء)	۲۸، ۲۲، ۱۴ ۴۷، ۴۰	۴۸	استنادات مستقیم فقهی و قرآنی	۹
۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۰۰۰۰۶۷۷۷۱	امتناع از پرداخت مهریه/اجرت‌المثل/نفقه → مطالبه قضایی ← عسر مالی	۴۴، ۲۷، ۱۸	۲۸	حقوق مالی زن پس از طلاق	۱۰

طبق جدول ۲ پرتکرارترین مقوله‌ها عبارت بودند از دلایل مالی طلاق با ۵۸ مورد(۹۳/۵٪)، خشونت جسمی و روانی با ۵۵ مورد(۸۸/۷٪)، اعتیاد و بیماری‌های مزمن با ۳۹ مورد(۶۲/۹٪) و تخلف از شروط ضمن عقد و وکالت بلاعزل با ۳۸ مورد(۶۱/۳٪). این توزیع نشان می‌دهد که قضات ایرانی عسر و حرج را عمدتاً از طریق مصادیق سنتی مالی و خشونت احراز می‌کنند، اما استفاده فزاینده از شروط ضمن عقد و وکالت بلاعزل بیانگر توانمندسازی عملی زنان در چارچوب فقهی است. در مقابل، مقوله مسائل عاطفی-روانی نوپدید(۳۵ مورد، ۵۶/۵٪) به‌ویژه افسردگی شدید زوجه، کمترین انطباق را با تفسیر سنتی عسر و حرج دارد و حاکی از شکاف میان نیازهای واقعی زنان و رویه قضایی موجود است.

دسته‌بندی‌های محوری نشان می‌دهند که دلایل مالی طلاق و خشونت و تهدید با بیش از ۴۰ درصد از کدها، پرتکرارترین مقوله‌ها هستند و رابطه علی مستقیمی با عسر و حرج دارند. این امر تأیید می‌کند که نظام قضایی ایران، طلاق را نه به‌عنوان یک حق مطلق، بلکه به‌عنوان راه‌حلی برای رفع(حرج) در نظر می‌گیرد که با ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و اصول فقهی نفقه و حفظ نفس همخوانی دارد. از سوی دیگر در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله مرکزی «عسر و حرج به‌عنوان محور عدالت خانوادگی» انتخاب شد و تمامی مقوله‌های محوری حول آن سازمان‌دهی گردیدند. در بخش بعدی، این مضمون مرکزی با منابع فقهی و حقوقی تطبیق داده می‌شود تا میزان انطباق یا تضاد احکام قضایی با فقه امامیه روشن گردد.

جدول ۳: کدگذاری انتخابی

شماره رأی	تحلیل تطبیقی با فقه امامیه + استناد فقهی و قضایی	فراوانی(از ۶۲ رأی)	مقوله‌های محوری	مضمون انتخابی	ردیف
-----------	-----------------------------------------------------------	-----------------------	--------------------	------------------	------

			مرتبط (از جدول ۲)	مضمون مرکزی یا زیرمضمون)	
۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۰۰۶۷۷۱	انطباق کامل: ماده ۱۱۳۰ ق.م.از قاعده لاجرح(وسائل الشیعه، ج. ۱۲، ص. ۲۶۸) و حدیث «لا ضرر و لا ضرار»(صحیح مسلم، ج. ۲۵۸۸) گرفته شده است.	۶۲ (۱۰۰٪)	دلایل مالی، خشونت جسمی و روانی، اعتیاد و بیماری، غیبت طولانی	عسر و حرج به عنوان محور عدالت خانوادگی (مضمون مرکزی)	۱
۱۴۰۰۰۶۳۹۰۰۰۰۰۸۴۳۹۴۱	انطباق قوی: ماده ۱۱۱۹ ق.م. + روایت «المؤمنون عند شروطهم»(وسائل الشیعه، ج. ۱۶، ص. ۲۱۴) + تحریر الوسیله، ج. ۲، ص. ۲۹۸؛ اما در عمل برخی قضات اثبات عسر جداگانه مطالبه می کنند(تضاد جزئی اجرایی).	۳۸ (۶۱/۳٪)	تخلف از شروط ضمن عقد و وکالت بلاعزل	توانمندسازی زنان از طریق شرط ضمن عقد و وکالت بلاعزل	۲
1.4000639000054088E+17 ۹۹۰۹۹۸۶۸۳۶۷۰۰۸۹۹	انطباق قوی در خشونت جسمی(حرمت ضرب و جرح، وسائل الشیعه، ج. ۲۸، ص. ۱۲۳)؛ تضاد قابل توجه در خشونت روانی و افسردگی ماژور که اغلب به تنهایی پذیرفته نمی شود؛ نیاز به تفسیر	۵۵ (۸۸/۷٪)	خشونت جسمی و روانی، مسائل عاطفی-روانی نوپدید	خشونت جسمی و روانی به عنوان مصدّق بارز عسر و حرج	۳

	گسترده «معروف» در آیه ۱۹ سوره مبارکه نساء.				
۱۴۰۲۰۶۳۹۰۰۰۰۱۷۱۱۷۲	انطباق کامل: بند ۲ ماده ۱۱۳۰ + فتوای امام خمینی (ج. ۲، ص. ۳۱۲) و آیت الله سیستانی (ج. ۲، ص. ۴۵۱).	۳۹ (%۶۲/۹)	اعتیاد و بیماری های مزمن	اعتیاد و بیماری های مزمن	۴ اعتیاد و بیماری های مزمن زوج به عنوان مانع دوام زندگی
۱۴۰۰۰۶۳۹۰۰۰۰۱۵۴۹۱۳	انطباق کامل: مواد ۱۱۶۸-۱۱۷۳ ق.م. + روایت امام صادق (ع) «الولد أحق بأمه ما لم تتزوج» (وسائل الشیعه، ج. ۲۱، ص. ۳۶۷)؛ مصلحت طفل اولویت مطلق.	۳۳ (%۵۳/۲)	حقوق فرزندان و حضانت	حقوق فرزندان و حضانت	۵ حقوق فرزندان و حضانت پس از طلاق
۹۹۰۹۹۸۱۹۷۷۱۰۱۵۳۰	انطباق کامل و رو به افزایش: قضات در ۷۷/۴٪ موارد به آیه، روایت یا فتوای مراجع استناد کرده اند؛ نشانه پیوستگی قوی نظام قضایی با فقه امامیه.	۴۸ (%۷۷/۴)	استنادات مستقیم فقهی و قرآنی	استنادات مستقیم قضات به منابع فقهی و قرآنی	۶ استناد مستقیم قضات به منابع فقهی و قرآنی
۹۹۰۹۹۸۶۸۳۶۷۰۰۸۹۹	تضاد قابل توجه: فقه سنتی مهربانی و معاشرت بالمعروف (آیه ۱۹ نساء) را واجب می داند اما افسردگی و فشار روانی به تنهایی به سختی به عنوان عسر پذیرفته می شود؛ ضرورت اجتهاد پویا و	۳۵ (%۵۶/۵)	مسائل عاطفی-روانی نوپدید	مسائل عاطفی-روانی نوپدید	۷ مسائل عاطفی-روانی نوپدید و شکاف جنسیتی

مضمون مرکزی تحقیق، یعنی «عسر و حرج به عنوان محور عدالت خانوادگی»، در تمامی ۶۲ رأی (۱۰۰٪) حضور دارد و کاملاً با ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و قاعده فقهی لاجرح (حدیث نبوی «لا ضرر»، وسائل، ج ۱۲، ص ۲۶۸؛ صحیح مسلم، حدیث ۲۵۸۸) انطباق دارد. این مضمون نشان می‌دهد طلاق در نظام قضایی ایران نه یک حق مطلق، بلکه ابزاری برای رفع مشقت و حفظ کرامت انسانی است و قضات در عمل، مصادیق حرج را فراتر از فهرست قانونی به شرایط واقعی زندگی مشترک تعمیم داده‌اند.

مضمون «توانمندسازی زنان از طریق شرط ضمن عقد و وکالت بلاعزل» (۳۸ مورد، ۶۱/۳٪) با ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی و روایت معتبر «المؤمنون عند شروطهم» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۱۴؛ صحیح بخاری، حدیث ۲۷۱۱) و نظر امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله (۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۹۸) کاملاً منطبق است. با این حال، برخی قضات همچنان اثبات عسر و حرج جداگانه را شرط اجرای وکالت می‌دانند که موجب عدم یکنواختی و کاهش اثربخشی این ابزار فقهی در عمل شده است.

مضمون «خشونت جسمی و روانی» (۵۵ مورد، ۸۸/۷٪) در خشونت جسمی با حرمت ضرب و جرح (روایت امام صادق (ع)، وسائل، ج ۲۸، ص ۱۲۳) و آیه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) انطباق کامل دارد، اما خشونت روانی و افسردگی شدید زوجه در اکثر موارد به‌تنهایی پذیرفته نمی‌شود. این تفسیر محدود با نظر فقهایی چون آیت‌الله مکارم شیرازی (که ایذاء روانی را مصداق عسر می‌داند) و آرمان عدالت جنسیتی فقهی فاصله دارد و نیازمند گسترش مفهوم «معروف» و پذیرش گزارش روانپزشکی به عنوان دلیل مستقل است همچنین، مضمون «اعتیاد و بیماری‌های مزمن زوج» (۳۹ مورد، ۶۲/۹٪) به‌طور کامل به عنوان مصداق عسر پذیرفته شده و با بند ۲ ماده ۱۱۳۰ و فتاوی امام خمینی و آیت‌الله سیستانی منطبق است. علاوه بر این، مضمون «حقوق فرزندان و حضانت» (۳۳ مورد، ۵۳/۲٪) با مواد ۱۱۶۸-۱۱۷۳ قانون مدنی و روایت امام صادق (ع) «الولد أحق بأمه ما لم تتزوج» (وسائل، ج ۲۱، ص ۳۶۷) انطباق کامل دارد و از نقاط قوت نظام قضایی ایران محسوب می‌شود. مضمون «استناد مستقیم به منابع فقهی و قرآنی» (۴۸ مورد، ۷۷/۴٪) نیز حاکی از پیوستگی قوی نظام قضایی با فقه امامیه است. در مجموع، نظام قضایی ایران در مصادیق سنتی عسر و حرج (مالی، خشونت جسمی، اعتیاد، حضانت) انطباق کامل دارد، اما در مسائل نوپدید روانی و جنسیتی با تفسیر محدود مواجه است که نیازمند اجتهاد پویا، رویه‌سازی یکسان و آموزش قضات در فقه معاصر است.

نتیجه‌گیری

تحلیل محتوای ۶۲ رأی طلاق صادرشده در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که «عسر و حرج» محور اصلی تصمیم‌گیری قضات در تمامی پرونده‌هاست و نقش تعیین‌کننده‌ای در احراز عدالت خانوادگی دارد. در کدگذاری باز، ۵۰ مفهوم اولیه استخراج شد که ۶۵ درصد آن‌ها مانند عدم پرداخت نفقه (۴۱ مورد)، خشونت جسمی (۳۳ مورد) و اعتیاد زوج (۲۸ مورد)، با مصادیق سنتی عسر و حرج در فقه امامیه منطبق هستند. کدگذاری محوری این مفاهیم را در قالب ۱۰ مقوله کلیدی از جمله مشکلات مالی (۵۸ مورد) و خشونت‌های جسمی-روانی (۵۵ مورد) سازمان‌دهی کرد. در مرحله انتخابی،

مضمون مرکزی «عسر و حرج به عنوان محور عدالت خانوادگی» شناسایی شد که ۷ زیرمضمون مهم مانند نقش شروط ضمن عقد (۳۸ مورد) و استناد به منابع فقهی (۴۸ مورد) را در بر می‌گیرد.

یافته‌ها نشان می‌دهد دادگاه‌ها در مصادیق سنتی عسر و حرج رویکردی نسبتاً سازگار با فقه و قانون دارند. برای نمونه، در رأی شماره $1.4000639000075582E+17$ ، تنها عدم پرداخت نفقه برای احراز حرج کافی تشخیص داده شد که کاملاً منطبق بر ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی است. همچنین در ۴/۷۷ درصد آراء به آیات قرآن، به‌ویژه آیه ۱۹ سوره نساء، استناد شده که بیانگر جایگاه نصوص شرعی در استدلال قضایی است. این الگو با روش نقد موضوع محور آرای قضایی در ادبیات علمی حقوق خانواده همخوان است (مانند آنچه در فصلنامه رأی، کارچانی و همکاران (۱۳۹۸)، و ستاری (۱۳۹۹)، توصیف شده است).

با این حال، بررسی کیفی رأی‌ها نشان می‌دهد که نظام قضایی در مواجهه با مصادیق نوپدید، به‌خصوص مشکلات روانی و عاطفی، با چالش مواجه است. در ۳۵ مورد (۵/۵۶ درصد) مسائل روانی مانند افسردگی شدید مطرح شده، اما در ۷۰ درصد این موارد، دادگاه آن را به‌تنهایی مصداق عسر و حرج ندانسته است. نمونه بارز آن رأی ۹۹۰۹۹۸۶۸۳۶۷۰۰۸۹۹ (دادگاه بدوی) است که با وجود تأیید کارشناسی، دعوای طلاق رد شد. این شکاف نه ناشی از محدودیت فقه سنتی، بلکه حاصل تفسیر محدود قضاوت و فقدان معیارهای عرفی و روان‌شناختی روشن در فرایند دادرسی است. مطالعات قضایی پیشنهاد کرده‌اند که قاضی باید همان‌گونه که به ادله شرعی استناد می‌کند، در موارد روانی نیز به عرف متخصصان، یعنی گزارش‌های کارشناسی روان‌پزشکی، تکیه کند (انصاری، ۱۴۱۰، ۴۱۹؛ محقق داماد، ۱۳۸۹، ص ۹۸). نوآوری این تحلیل در توجه به «مصادیق عسر روانی» است؛ جایی که تفسیر محدود قضاوت با تحولات اجتماعی مانند افزایش طلاق‌های روانی و تغییر کیفیت آسیب‌های خانوادگی همخوانی ندارد. از منظر فقهی نیز احراز «عسر و حرج روانی» نیازمند تأمل در مفهوم «جنون» و مرزهای آن است. چنانکه نراقی در این باره مبنای دقیقی به دست داده است: «و یشرط فی صدق المجنون کون افعاله الردیئه ناشئه عن اختلال العقل بأن لا یدرک قبجها و قد تصدر عن احد افعال ردیئه و بکنه یدرک قبجها و یرتکبها إما لأجل مصلحه او بدون اختیار لمرض کمن ینیکی طول لیله و نهاره و یعلم انه مرض عرض له» (نراقی، ۱۴۰۸، ص ۳۴۵ و ۵۲۴). این تفکیک میان رفتارهای ناشی از اختلال عقل و رفتارهایی که با وجود ادراک قبیح، بر اثر فشار روانی یا بیماری بدون اختیار صادر می‌شود، می‌تواند راهگشای قضاوت در تفسیر عسر و حرج‌های مبتنی بر آسیب‌های روانی و جنسیتی باشد. بر این اساس، این مطالعه پیشنهاد می‌کند قاضی به‌عنوان مفسر قانون طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، باید از داده‌های تخصصی روان‌پزشکی همانند ادله فقهی بهره‌گیرد؛ امری که با رویه دیوان عالی کشور، از جمله رأی وحدت رویه ۷۹۴ (۱۴۰۲)، سازگار است. نتیجه آنکه نظام قضایی ایران در موارد سنتی مانند مشکلات مالی، خشونت جسمی و اعتیاد عملکرد نسبتاً هماهنگی دارد، اما در مسائل روانی و جنسیتی با عدم یکنواختی مواجه است. این یافته‌ها مبنایی برای اصلاح ساختاری و تقنینی فراهم می‌کند.

پیشنادهای تقنینی و قضایی (بر اساس تحلیل آراء)

۱. اصلاح ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی (شناسایی رسمی مصادیق روانی عسر و حرج): پیشنهاد می‌شود تبصره‌ای به ماده ۱۱۳۰ افزوده شود که تشخیص عسر و حرج روانی-مانند افسردگی مآزور یا اضطراب شدید ناشی از

خسونت روانی مستمر-را منوط به گزارش روان‌پزشک دارای پروانه و تأیید هیئت سه‌نفره پزشکی قانونی بدانند و آن را برای دادگاه الزام‌آور کند. این اصلاح می‌تواند مشکل رد ۷۰ درصدی دعاوی مبتنی بر افسردگی (از جمله رأی ۹۹۰۹۹۸۶۸۳۶۷۰۰۸۹۹) را رفع کرده و تفسیر شخصی قضات را کاهش دهد.

۲. اصلاح ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی (اجرای مستقیم شروط ضمن عقد): پیشنهاد می‌شود تصریح شود که تخلف زوج از هر شرط ضمن عقد مندرج در سند نکاحیه (مانند شرط عدم اعتیاد یا تأمین مسکن)، به‌تنهایی و بدون نیاز به اثبات عسر و حرج جداگانه، حق اعمال وکالت بلاعزل زوجه در طلاق را ایجاد می‌کند. این اصلاح عدم یکنواختی موجود در ۳۰ درصد آراء (از جمله رأی ۳۱۹۹۹۹۰۰۰۳۱۹۹۹۹) را برطرف کرده و با نظرهای مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه هماهنگ است.

۳. صدور رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور: دیوان عالی کشور می‌تواند رأی وحدت رویه‌ای صادر کند که افسردگی شدید بالینی با تأیید روان‌پزشک معتمد پزشکی قانونی را به‌تنهایی مصداق عسر و حرج موضوع ماده ۱۱۳۰ بدانند. چنین رأیی، بر اساس نشست‌های قضایی و تحلیل‌هایی مانند ستاری (۱۳۹۹)، برای رفع تضاد در آراء تجدیدنظر، به‌ویژه موارد مشابه رأی ۹۹۰۹۹۸۶۸۳۶۷۰۰۸۹۹ ضروری است.

۴. اصلاح آیین‌نامه اجرایی دادگاه‌های خانواده (ارجاع کارشناسی الزامی): پیشنهاد می‌شود ماده‌ای اضافه شود که ارجاع تمامی پرونده‌های طلاق مبتنی بر عسر روانی به کارشناس رسمی روان‌شناس بالینی را الزامی کند و گزارش او را هم‌وزن گزارش پزشکی قانونی قرار دهد. این اصلاح موجب تسریع رسیدگی در مواردی مانند خسونت روانی (نمونه: رأی ۳۸۳۵۵۷۰۰۰۳۸۳۵۵۷) شده و دادگاه را ملزم به استفاده از نظر متخصصان می‌کند.

۵. برگزاری نشست‌های قضایی منظم برای ایجاد وحدت رویه در تفسیر عسر و حرج: پیشنهاد می‌شود رئیس قوه قضائیه برگزاری سالانه نشست‌های نقد و بررسی آرای طلاق را با حضور قضات دیوان عالی، متخصصان روان‌پزشکی و حقوق‌دانان الزامی کند. هدف این نشست‌ها یکسان‌سازی معیارهای تفسیر عسر و حرج و استانداردسازی مصادیق عرفی مانند بیکاری و غیبت زوج (۲۵ مورد مشاهده‌شده در آراء) است. این سازوکار مطابق پیشنهادهای تحلیلی درویش‌زاده (۱۴۰۴) است.

تعارض منافع: بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

آبادر، مهدی؛ علی اکبری، احسان؛ حیدری، محمدعلی. (۱۳۹۹). تعارض اصل و ظاهر در احکام خانواده. *فقه و حقوق*

خانواده، ۲۵(۷۲)، ۱۹۱-۲۱۷، doi: 10.30497/flj.2020.238719.1540

اسدی، لیلا سادات. (۱۳۸۷). نقدی بر ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و ارائه راهکارهای اجرایی آن. *فقه و حقوق خانواده*،

۱۳(۴۸)، ۴۳-۶۲، doi: 10.30497/flj.2008.67991

انصاری، مرتضی. (۱۴۱۴ق). *المکاسب المحرمه*. نجف: بی نا.

ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. *پژوهش*، ۳(۲)، ۱۵-۴۴،

<http://noo.rs/9DN0o>

باهوش، سمائه؛ قدرتی، شفیعه؛ قدرتی، حسین. (۱۴۰۱). مطالعه رابطه بیگانگی و گرایش به طلاق در میان زنان

شهر مشهد. *نشریه نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، ۱۷(۳۳)، ۳۹۴-۳۶۵، <http://noo.rs/OUAmk>

بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ق). *صحیح البخاری*. بیروت: دار طوق النجاة.

بسامی، مسعود. (۱۴۰۱). تأثیر محکومیت کیفری شوهر بر انحلال خانواده و ایجاد حق طلاق برای زن. *خانواده*

درمانی کاربردی، ۴(۱)، ۶۷۱-۶۴۹.

بهرامی، حمزه علی؛ محمودیان، مهرالسادات. (۱۴۰۴). واکاوی فقهی حقوقی شمول حکم پرداخت متعه طلاق به

زنان مطلقه. *فقه و حقوق خانواده*، ۳۰(۸۲)، ۵۱-۸۴، doi: 10.30497/flj.2025.246584.2045

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ش). *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشریعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل البيت

علیهم السلام لاحیاء التراث.

خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱ق). *تحریر الوسیله*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

خوبی، ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). *مصباح الفقاهه*، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.

درویش زاده، محمد. (۱۴۰۴). آفت‌ها و عبرت‌های استجازه‌گرایی در نظام عدالت کیفری. *نقد و تحلیل آرای*

قضایی، ۴(۷)، ۱-۲۰، <http://noo.rs/vyEb5>

رستمی، زهرا، و زینالی، معصومه. (۱۳۹۹). تحلیل فقهی و حقوقی نظریه مقاصد الشریعه از دیدگاه ابن عاشور و

تطبیق آن با حقوق خانواده در ایران. *پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست*، ۲(۲)، ۲۳-۱۴،

<http://noo.rs/lkgP6>

رضوی، سید محمد. (۱۴۰۳). حق انگاری خلع برای زوجه (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق ایران و برخی از

کشورهای اسلامی). *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، ۸(۱)، ۸۳-۶۷، <http://noo.rs/RgYjk>

ستاری، مهسا. (۱۳۹۹). تحلیل شرایط تحقق عسر و حرج به علت اعتیاد زوج در پرتو نقد رأی صادره از دیوان عالی

کشور. *رأی (مطالعات آرای قضایی)*، ۹(۳۱)، ۱۶۵-۱۹۲، <http://noo.rs/SZ2v4>

سعیدی مقدم، رویا. (۱۳۹۵ش). *بررسی اختلالات روانی در طلاق از دیدگاه فقه و حقوق (زهرا حاجیان)*. پایان نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، دانشکده حقوق و الهیات،

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/d8deaff9b18d63f24f3161654193ef48>

سلطانی، اختر؛ جعفری، محمد مهدی. (۱۴۰۰). تفویض طلاق به عنوان شرط ضمن عقد در فقه اسلامی و حقوق

موضوعه. *قانون یار*، ۵(۱۷)، ۵۴۲-۵۰۹، <http://noo.rs/BlvT0>

سلطانیان، داود؛ لطفی، مجتبی. (۱۴۰۲). تساوی جنسیتی زنان و مردان در زمینه سن ازدواج و حق طلاق؛ بررسی تطبیقی سند ۲۰۳۰، فقه و حقوق ایران. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۲)، ۸۳-۹۸.

<http://noo.rs/JasA9>

سیستانی، سید علی. (۱۴۳۵ ق.). *منهاج الصالحین*، قم: دفتر آیت‌الله العظمی سیستانی.

شهید ثانی، زین الدین عاملی. (۱۴۱۰ ق.). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*، ج ۵. قم: کتابفروشی داوری.
ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق.). *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صفائی، اصغر؛ ناظمی، محمدحسین. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی وکالت طلاق به زوجه در حقوق ایران و فرانسه. زن و جامعه، ۱۲(۴۷)، ۵۶-۶۶.
<https://elmnet.ir/doc/2290286-297>

طوسی، محمد بن حسن. (شیخ طوسی). (۱۴۰۷ ق.). *تهذیب الأحکام*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

طوسی، محمد بن حسن. (شیخ طوسی). (بی‌تا). *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران: المکتبه المرتضویه.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ ق.). *تذکره الفقهاء*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاهیات التراث.
علایی، فروزان. (۱۳۸۹). بررسی حق طلاق زنان در فقه امامیه و حقوق موضوعه. *مطالعات قرآنی*، ۱(۲)، ۱۰۷-۱۲۷.

<https://sanad.iau.ir/Journal/qsf/Article/853681>

علیشاهی، ابوالفضل؛ طائی، فریبا. (۱۴۰۱). قاعد لاضرر در حقوق زوجه از منظر حقوق ایران و فقه اهل سنت. فقه و حقوق نوین، ۱۲(۳)، ۱۴۶-۱۵۶.
<http://noo.rs/rye0d>

فقیه حبیبی، صدیقه؛ طباطبایی لطفی، عصمت‌السادات. (۱۳۹۹). طلاق قضایی در فقه اسلامی و حقوق ایران. *حقوق اسلامی*، ۱۸(۶۹)، ۱۸۷-۱۶۷.
<http://noo.rs/cTVzm>

فلاحی، آزاد؛ ابوالمحمدی، محمدرسول. (۱۳۹۸). نگرشی تطبیقی به تفویض طلاق در فقه اسلامی، حقوق ایران و مصر. *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، ۱۲(۲۴)، ۱۷۱-۱۴۱.
<http://noo.rs/gmwTu>

کارچانی، مهدی؛ رحیم‌پور، گلناز؛ مددی، هدی. (۱۳۹۸). نوع طلاق ناشی از عسر و حرج زوجه. *رأی (مطالعات آرای قضایی)*، ۸(۲۷)، ۱۱۱-۱۲۸.
<http://noo.rs/pg42I>

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق.). *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۹ ش.). *مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی اسلام و حقوق*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ ق.). *القواعد الفقهیه*، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه‌السلام.
موسوی، کلثوم؛ رضایی، فروزان. (۱۴۰۱). طلاق و راهکارهای مدیریت کاهش آن از منظر فقهی و حقوقی.

<http://noo.rs/4yPsl>، ۱۱۵-۱۳۴، ۶(۲۳).

نجفی، محمدحسن بن باقر (صاحب جواهر). (۱۴۰۴ ق.). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نراقی، احمد. (۱۴۰۸ ق.). *عوائد الایام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

نگاهی، محسن؛ موسوی، سید شهرام. (۱۳۹۹). نقد و بررسی نظریه آیت‌الله بروجردی درباره نفقه زوجه و تطبیق آن با قوانین حمایت از خانواده در ایران. *پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست*، ۲(۱)، ۸-۱۳.

<http://noo.rs/ic2f3>

نهرینی، فریدون؛ حق پرست، شعبان؛ خدابخشی شلمزاری، مهرداد. (۱۴۰۱). عدالت، مناط استنباط و کاربست آن در صدور آرای قضایی. *مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب*، ۵(۲)، ۱-۲۱. <http://noo.rs/liA7N>

اله مرادی، ام البنین؛ احدی، سیف الله. (۱۳۹۴). اختیار قاضی برای طلاق در صورت نشوز زوج و مشروط نبودن آن به عسر و حرج زوجه. *فقه و حقوق خانواده*، ۲۰(۶۲)، ۵-۲۸. doi: 10.30497/flj.2015.52074

نسخه پیش از انتشار (ناویر استه)